

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

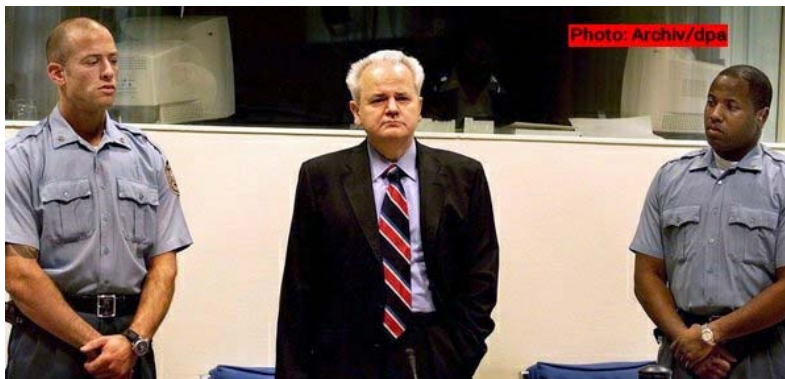
afgazad@gmail.com

Human Rights

حقوق بشر

نویسنده رودیگر گویل، منتشر شده در دنیای جوان
فرستنده: عثمان حیدری
۱۷ فبروری ۲۰۲۲

من این دادگاه را به رسمیت نمی شناسم



میلوسویچ قربانی جنایات ناتو قبل از هجوم این پیمان تجاوزکار بر افغانستان

در اول اپریل ۲۰۰۱، به تحریک دولت جدید طرفدار غرب در بلغراد، اسلوبودان میلوسویچ توسط پولیس صربستان دستگیر و شبانه در جون ۲۰۰۱ به دادگاه جنایات جنگی در لاهه تحویل داده شد.

میلوسویچ در اولین حضور خود در صحن دادگاه در ۳ جولای ۲۰۰۱، که تنها یازده دقیقه طول کشید، مشروعیت دادگاه لاهه را زیر سؤال برد. پس از این که او قبول نکرد به گناهکار و یا بی گناهی خود اعتراف کند، بلافاصله شروع به سخنرانی سیاسی برای دفاع از عملکرد خود کرد، قاضی ریچارد می خواست صحبت او را قطع کرد و به او گوشزد کرد: «آقای میلوسویچ، اکنون زمان سخنرانی نیست.» بخشی از سخنرانی ارائه نشده میلوسویچ در دادگاه را در اینجا مشاهده می کنید:

«من این دادگاه را به رسمیت نمی شناسم زیرا این دادگاهی ساختگی است و اتهاماتش نیز نادرست و ساختگی است. دادگاه بخشی از سازوکار نسل کشی مردم صربستان است، برای انتقام گرفتن از مبارزانی است که در برابر بردگی خلق، مردم و استعمار جدید مقاومت کردند. آدرس جنایاتی که علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی صورت گرفت، ناتو است (...).

جلادان من و افکار عمومی جهان بخوبی می دانند که من به خاطر جنایات جنگی که به من نسبت داده شده است، در لاهه نیستم. نه، من اینجا هستم چرا که ما در مقابل ناتو مقاومت و ایستادگی کردیم و به تمام جهان نشان دادیم که ناتو

قادر مطلق نیست و یک کشور و مردم کوچک که مصمم به دفاع از آزادی خود هستند، می توانند با بزرگترین ماشین نظامی جهان درگیر شوند و از خود دفاع کنند.

من به آنچه برای دفاع از کشور و مردم انجام داده ام افتخار می کنم. این دفاع با افتخار و نجیبانه انجام گرفت»

بیست سال پیش اسلوبودان میلوسویچ در دادگاه سراپا ساختگی و سیاسی لاهه محاکمه شد. این محاکمه برای دادستان ها یک شکست بود.

بیست سال پیش، در ۱۲ فیروزی ۲۰۰۲، محاکمه اسلوبودان میلوسویچ، رئیس جمهور سابق صربستان و یوگسلاوی در مقابل دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق در لاهه آغاز شد. این محاکمه به عنوان «محاکمه قرن» اعلام شد. همانطور که "کارلا دل پونته"، دادستان ارشد، در بیانیه آغازین خود گفت، که او میلوسویچ را به ارتکاب «بدترین جنایات شناخته شده علیه بشریت» متهم کرد. از همان ابتداء روشن بود که محاکمه لاهه یک فرآیند سیاسی بود که برای مشروعیت زدائی و نابودی یوگسلاوی توسط غرب طراحی شده بود. میلوسویچ از روز اول به خاطر دفاع از حاکمیت دولتی یوگسلاوی و صربستان در اوج بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹ که ناقض قوانین بین المللی حقوق خلق ها بود محکوم شده بود.

او در تریبونالی محاکمه می شد که بودجه اش را کشورهای غربی و عضو پیمان ناتو تأمین می کردند.

هیتلر جدید

تریبونالی که توسط شورای امنیت ملل متحد در سال ۱۹۹۳ بنیان نهاده شد، در ۲۷ مه ۱۹۹۹، در میانه جنگ علیه بلگراد، میلوسویچ را به اتهام جنایات جنگی در کوزوو استانی از صربستان متهم کرد. در اکتوبر و نومبر ۲۰۰۱، دادگاه کیفرخواست را گسترش داد و آن را شامل جنایات جنگی و اخراج دسته جمعی در کرواسی در سال های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و نسل کشی در بوسنی و هرزگوین در سال های ۱۹۹۵-۱۹۹۲ هم کرد.

سرانجام، در فیروزی ۲۰۰۳، این سه اتهام در یک فرآیند کلی قرار گرفتند. «دهها هزار کشته در جنگ، صدها هزار آواره، تخریب روستاها، ایجاد کمپ های شکنجه و تجاوزهای دسته جمعی همه این اتهامات قرار شد به حساب یک نفر نوشته شود.»

همانگونه ورنر پیرکر، نویسنده و گزارشگر روزنامه دنیای جوان Junge Welt در آن زمان بر اساس پژوهشش خلاصه کرد. رسانه های غربی، و نه تنها در رنگین نامه ها، از میلوسویچ تصویری به وجود آوردند که هدفش ایجاد «صربستان بزرگ» بود، و او را «قصاب بالکان» یا «هیتلر» جدیدی نام نهادند.

رهبری صربستان و میلوسویچ در رأس آن باید به تنهایی مسؤول سال ها قتل عام در بالکان معرفی شوند. بر اساس استدلال ساده سیاه و سفید جنگجویان ناتو و دادستان های آنها در لاهه، صرب ها مرتکبان و بقیه قربانیان آنها بودند. به اساس سیستم استدلالی سیاه و سفید کردن معادلات سیاسی توسط دادستان های ناتو، صرب ها جنایتکاران این جنگ و دیگر شبه نظامیان و نظامیان قربانیان آنان بودند.

میلوسویچ که خود وکیل دادگستری بود و همیشه در دادگاه با کت و شلوار برازنده یک سیاستمدار دولتی و با کاروانی به رنگ پرچم های یوگسلاوی و صربستان ظاهر می شد. او پیش از عملیات ربودنش از بلگراد در سال ۲۰۰۱ دادگاه لاهه را «غیرقانونی» توصیف کرده بود و از گرفتن وکیل مدافع صرف نظر کرد و خود این وظیفه را به عهده گرفت.

او جنگ ناتو علیه یوگسلاوی را به شدت محکوم کرد و استدلال کرد که غرب به رهبری امریکا و المان از نیروهای جدائی طلب حمایت کرده و در نتیجه به تجزیه یوگسلاوی دامن زده است.

میلوسویچ با اشاره به قتل عام ادعائی در روستای راجاک کوزوو در سال ۱۹۹۹ به گزیده هائی از مستند شبکه اول تلویزیون دولتی المان تحت عنوان «با یک دروغ شروع شد» مراجعه کرد و نشان داد که چگونه اتهامات علیه او بر اساس اظهارات نادرست استوار است.

در حالی که دادستان تلاش کرد سخنرانی میلوسویچ ایرانسل در سال ۱۹۸۹ را با جملاتی که از متن جراحی شده بود به عنوان سخنرانی برای جنگ افروزی نژادپرستانه و شوونیسم صربستانی معرفی کند، میلوسویچ تأکید کرد که او در سخنرانی اش فقط بر درخواست صریح خود از مردم یوگسلاوی برای زندگی برابر در کنار هم اشاره داشته است.

در واقع، میلوسویچ در آن زمان برای حدود یک میلیون مخاطب فریاد زده بود: «سوسیالیسم اجازه نمی دهد مردم به گروه های قومی و مذهبی تقسیم شوند. تنها تمایزی که سوسیالیسم اجازه می دهد بین افراد صادق و ناصادق، بین افرادی که کار می کنند و کسانی که کار نمی کنند است. (...) یوگسلاوی یک جامعه چند ملیتی است و تنها بر اساس برابری می تواند زنده بماند»

در ادامه روند دادرسی، میلوسویچ می خواست ویلیام کلینتن، رئیس جمهور سابق ایالات متحده و کوفی عنان، دبیر کل ملل متحد را به عنوان شاهد احضار کند.

در طول جنگ در بوسنی و هرزگوین، هر دو سیاستمدار او را به عنوان «عامل صلح در بالکان» توصیف کردند. البته این درخواست توسط دادگاه رد شد.

صدراعظم سابق المان، هلموت کهل، رئیس سابق سازمان اطلاعات و امنیت المان و وزیر خارجه المان، کلاوس کینکل و همتایان او از ایالات متحده امریکا و بریتانیا، مادلین آلبرایت و رابرت کوک نیز از به دادگاه احضار نشدند و خلاف میل میلوسویچ آنها از بازجویی در امان ماندند.

وزیر دفاع رودلف شارپینگ از حزب سوسیال دمکرات المان، مخترع طرح سرا پا ساختگی «نعل اسبی» و وزیر امور خارجه جوزف فیشر (سبزها) که جنگ کوزوو را با آشوبتس مقایسه و مرتبط کرد، نیز علی رغم درخواست میلوسویچ به دادگاه نیامدند.

بدون حاکمیت قانون

ژرمینال سیویکوف، که در جریان محاکمه در لاهه روزنامه نگار بود، در کتاب خود «محاکمه میلوسویچ» نشان می دهد.

او گزارش خود را به عنوان یک ناظر اینگونه منتشر کرد: «فرایند ارائه شواهد توسط دادستانی یک رسوائی کامل بود، این رویه یک محاکمه نمایشی سیاسی بود، متهم به عکس نشان داد یک وکیل کاملاً مجرب و توانا است»

سیویکوف می نویسد «دادستانی می دانست از آنجائی که شاهدان خوب و راستگو کم پیدا می شوند، برای تحت فشار قرار دادن متهم ۴۰۰ شاهد را یکجا به صف می کرد اگر متهم نشان می داد شاهدان دروغ می گویند، قاضی سعی می کرد برای متهم وکیل تسخیری بگیرد تا او را تحت فشار قرار دهد، اگر متهم پس از بازجویی از متهمان تناقض گوئی آنان را آشکار می کرد قاضی می پرید وسط و به میلوسویچ هشدار می داد شاهدان را با سؤالاتش گیج نکند.»

و در ادامه: «در صورتی که دادستان تشخیص می داد، وسط روند رسیدگی پرونده، اتهام جدیدی را برای تغییر روند مطرح می کرد. اتهامی مانند «نسل کشی». اگر این اتهام ویا کیفرخواستی دیگر برای دادستان غیرقابل دفاع می شد،

عبارت کیفرخواست را تغییر می داد. « عموم مردم از همه این کارشکنی ها در روند محاکمه آگاه نبودند. اگر چیزی با تصویر از پیش تعیین شده توسط محاکمه کنندگان مطابقت نداشت، بسادگی از صورت جلسه محو می شد یا صدای میکروفون میلو سویچ را قطع می کردند.»

اسلوبودان میلو سویچ پس از بیش از پنج سال حبس در دادگاه کیفری بین المللی و محاکمه کافکائی، در ۱۱ مارچ ۲۰۰۶ در سلول خود درگذشت. به اساس اطلاعات رسمی، وی در زندان دچار سکنه قلبی شده بود. دادگاه درخواست درمان انسانی را که به وضوح بیمار بود در یک کلینیک روسی را رد کرده بود.

روزنامه سویسی **نویه تسو ریشر** که مانند تمام رسانه های صرب ستیز هرگز چیزی به جز بدخواهی برای میلو سویچ نداشت نوشت: «مرگ او یک شکست جدی برای دادگاه لاهه بود، این صرب مهمترین متهم این دادگاه بود. (...) از سوی دیگر، مرگ برای میلو سویچ به معنای پیروزی بود. او از محکومیت در امان ماند.»